

قدر داشته‌هایمان را بدانیم

دعواهای سیاسی، مرزبندی‌های جناحی، تنگ‌نظری‌ها، چشم‌هم‌چشمی‌ها و دل‌بستن به مقام و موقعیت‌ها، انسان را می‌تواند از مسیر صحیح و درست زندگی کردن دور بکند. گاهی وقت‌ها آن‌چنان به دنبال اتفاقات منفی می‌رویم که چشم بر روی زیبایی‌ها و خوبی‌ها می‌بندیم و به راحتی از کنار موهبت‌هایی که در اختیار داریم عبور می‌کنیم.

چرا قدر همه‌ی آن چیزهایی را که داریم، نمی‌دانیم؟ به چه دلایلی سعی می‌کنیم که همیشه داشته‌هایمان را زیر سؤال ببریم؟ چرا قدرت تحمل موفقیت برخی‌ها را نداریم؟ دل‌بستگی‌های سیاسی و غرق شدن در دریای تعصبات جناحی چرا ما را از قضاوت درست و منصفانه در مورد عملکرد دیگران باز می‌دارد؟

ترک کردن صفت پسندیده‌ای چون قدردانی، انسان را در یک چرخه بی‌پایان نارضایتی گرفتار می‌کند و این یعنی همواره به دنبال کمبودها و ضعف‌ها رفتن و نادیده گرفتن مثبت‌ها و زیبایی‌ها.

برخورد صادقانه و مخلصانه با داشته‌ها و سرمایه‌های انسانی عاملی برای توسعه و حرکت رو به جلو می‌باشد. گاهی وقت‌ها دامنه بزرگ کردن کمبودها و کوچک نمودن اقدام‌های مثبت، چنان گسترده می‌شود که شک‌برانگیز می‌گردد. مگر در سال‌های نه چندان دور، مسئولین ما چه کارهای بزرگ و عظیمی داشته‌اند که امروزی‌ها سزاوار انتقاد و عدم پذیرش هر اقدام مثبت‌شان شده‌اند؟

این که استان ما سال‌ها با بی‌مهری‌های اثرگذار مواجه بوده واقعیتی است که باید بپذیریم ولی آیا همه این عقب‌ماندگی‌ها مربوط به دو یا سه سال اخیر است و آیا به جز این سال‌ها همه چیز در منطقه ما گل و بلبل بوده است؟

قدر داشته‌هایمان را بدانیم، حساب مسئولین پاک‌دست، پرتلاش، باکارنامه، محجوب و با برنامه را از حساب آن‌هایی که هدفی جز قرار گرفتن در رأس و به دست گرفتن امور و بهره‌برداری‌های بانندی و گروهی ندارند، جدا بکنیم. سرمایه‌های انسانی خود را که قدرت تأثیرگذاری در فعل و انفعالات سیاسی و اقتصادی کشور دارند ارج دهیم و حتی با وجود اختلاف‌نظر و وابستگی‌های سیاسی، آن‌ها را در عرصه‌های مختلف به‌خاطر سربلندی و سرافرازی منطقه مورد حمایت قرار بدهیم.

مردی از خانه‌اش راضی نبود، از دوستش که بنگاه املاک داشت خواست تا خانه‌اش را بفروشد. دوستش یک آگهی نوشت و آن را برایش خواند:

خانه‌ای زیبا که در باغی بزرگ و آرام قرار گرفته، تراس بزرگ مشرف به کوهستان، اتاق‌های دل‌باز و پذیرایی و ناهارخوری وسیع.

صاحب‌خانه تا متن آگهی را شنید گفت: این خانه فروشی نیست در تمام مدت عمرم می‌خواستم جایی داشته باشم مثل این خانه‌ای که تو تعریفش کرده‌ای.

به‌راستی که خیلی وقت‌ها نعمت‌هایی که در اختیار داریم را نمی‌بینیم چون به بودنشان عادت کرده‌ایم، قدر داشته‌هایمان را بدانیم.